

دوره لهم تقليب

جلسه ۲۶

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(چون مذاکرات این از دستور)

۲۵ تیر ماه ۱۳۱۲ - ۲۲ ربیع الاول ۱۳۵۲

شماره مسلسل: ۵۲۰

قیمت اشراک { سالیکه خارجه ۱۰۰ ریال
داخله ۲۰ ریال } لک شماره ۱ دو ریال

مطبوعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه بیست و پنجم تیرماه ۱۳۱۲ (۲۲ ربیع الاول ۱۳۵۲)

فهرست مذاکرات

- (۱) تصویب صورت مجلس
(۲) تصویب لایحه خریداری سهام کارخانه قدسازی کهریزک
(۳) تصویب لایحه اصلاح بودجه ۱۲۱۱ اداره کل سجل احوال مملکتی
(۴) تصویب لایحه تعدیل مدت اعتبار جواز ورود
(۵) موافق و دستور جلسه آتی - ختم جلسه

(مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز یکشنبه هجدهم تیرماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ (گفته شد -

خیر) صورت مجلس تصویب شد.

[۲ - تصویب لایحه خریداری سهام کارخانه قدسازی کهریزک]

رئیس - خیر کمیسیون بودجه راجع به خریداری سهام

کارخانه قدسازی معارض است:

خیر کمیسیون:

کمیسیون بودجه با حضور آقایان وزیر مالیه و رئیس اداره صناعت و فلاحات لایحه نمره ۱۱۲۶۱ راجع به کارخانه قد کهریزک را مطرح و مورد مطالعه قرار داده پس از مذاکرات لازمه و توضیحات مقنی که از طرف

آقایان داده شد کمیسیون بالایحه پیشنهادی موافقت و علیهذا رایرت آنرا برای تصویب مجلس شورای ملی قدیم میدارد.

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است قیمت آن قسمت از سهام کارخانه قدسازی کهریزک را که متعلق بدولت نیست و اصل و فرع قیمت سهام متعلق بدولت را که از ملکیت بانک ملی ایران بملکیت دولت انتقال یافته و همچنین کلیه فروض شرکت سهامی کارخانه را بملاوه چهار میلیون و پانصد هزار ریال سرمایه متحرک جهت دایر نگاهداشتن کارخانه مذکور از محل ذخیره مملکتی پرداخت نماید

این مذاکرات مشروح بیست و ششمین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون ۱۲۰۵)

دائرة تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده.

غائبین بی اجازه - آقایان نازی - جزمتاش - مسعودتاشی - طباطبائی روجردی - موثر - چایچی - کورس -

دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: اسدی - افغنی - دکتر قزل اوغ - حاج میرزا حسن خان امقندیاری - دکتر ادهم - نصف

قوام - شریعت زاده.

رئیس - آقای طباطبائی دیا

طباطبائی دیا - بنده اصولاً معتمد کارخانه و ماشین آلات را باید مردم و اهالی مملکت بیاورند و اقدام کنند و بکار بندازند دولت وقتی باید اقدام کند بخرید ماشین آلات و کارخانجات و اینها که از طرف اهالی هیچ اقدامی نشود در مواقعی که ممکن است بکساعدهتالی دولت با اهالی بکند یعنی اهالی مملکت خودشان کارخانه و ماشین آلات بیاورند و بکار بندازند دولت در بک موارد مخصوصاً کمکهای با اهالی بکند البته این بنظر بهتر است اولاً با این ترتیب که دولت خودش کارخانه بیاورد و ماشین آلات بکار بندازد حقیقتاً اصل رقابت از میان می رود اشخاص اگر کارخانه بیاورند البته اصل رقابت ایشان موجود است و ماشین آلات و کارخانجات در مملکت زیاد می شود بنده اگر يك کارخانه آوردم خودم وارد کردم و بکار انداختم و نافع شد شخص دیگر که دید این کارخانه نافع است البته او هم اقدام می کند همینطور شخص ثالث و هر کس دید که کارخانه نافع است و ماشین آلات وارد کردن لازم است و نافع اقدام نمیکند و اصل رقابت از بین نمی رود ولی دولت که اقدام کرد اصل رقابت از بین می رود البته قوت وقدرتی که دولت دارد اشخاص ندارند پولی که دولت دارد اشخاص ندارند این است که در اثر این عقیده موقعی که این لایحه تقدیم مجلس شد بنده مخالف بودم با این ترتیب که دولت باید و اسام سایر اشخاص را در کارخانه قد کهریزك خریداری کند ولی در کمیسیون بودجه با توضیحات کاملی که آقای وزیر مالیه و رئیس کل صناعت دادند بنده هم موافق شدم معلوم شد که در این قضیه بالخصوص دولت چاره نداشت جز اینکه سهام اشخاص را خودش خریداری کند و عمده نقطه نظر ترقی و دوام و ثبات این کارخانه بوده با این ترتیبی که فعلاً موجود بوده اشخاصی که صاحب سهام بوده اند با وجود این دولت با ملاحظاتی نتوانسته است با آنها کنار بیاید یعنی بخارجی که برای این کارخانه بوده اینها نتوانسته اند پرداخت کنند آنوقت يك فروشی هم داشته اند دولت مجبور شده که سهام این

وارد عمل شود و باید تصدیق کرد که اگر هدایت دولت هم نبود در همین قسمت هم شاید موافق نمی شدند در موضوع شرکت کهریزك اصل این شرکت شرکتی است که در سه هزار سهم بوده است بقیه سهم صد تومان که شرکاء بدوی ۱۲۰۰ سهم از این را اینیه و ماشین آلاتشان را تقویم کرده اند و هشتاد سهم که عبارت از صد و هشتاد هزار تومان باشد دولت داشته است و پیش بینی کرده است که با سیصد هزار تومان این کارخانه تمام می شود پس از اینکه تمام شد ۶۶۰ هزار تومان مخارج دایر کردن کارخانه شد آقایان شرکاء برای اینکه اکثریت داشته باشند آمدند چهار صد و پنجاه سهم از سهام دولت را خریدند ولی این سهام را خریدند و پیش بانک ملی کرو گذاشتند که باز هم در واقع پول بانک ملی بوده است و در واقع ما يك شرکتی را تشکیل داده ایم که ۵۴۰ هزار تومان پول دولت است و ۱۲۰ هزار تومان پول اشخاص دیگر و اکثریت هم دست آنهاست گذشته از این کارخانه برای بهره برداری مبلغ ۱۵۰ هزار و اکثراً ۶۰۰ هزار تومان لازم دارد که هر سهمی مطابق قیمت سهامیش باید تومانی دو تومانی برای بهره برداری بدهد شرکاء در این قسمت نمیتوانند وجهی تهیه کنند شصت هزار تومان هم باید دولت برای اینکار بدهد در واقع دولت باید همه ساله يك میلیون و دویست هزار تومان را بگذارد در مقابل صد و بیست هزار تومن اکثریت هم با شرکاء دیگر باشد تصدیق خواهید فرمود که این رویه قابل ادامه نبود و کارخانه ناچار بود که منحل شود زیرا اعتبار بهره برداری چیزی نیست که بشود صبر کرد و معطل شد چغندر باید کاشته شود ذغال سنگ و آهن حل شود مواد اولیه تهیه شود تا کارخانه بتواند محصول خودش را تهیه بکند و بیرون بدهد بیاین جهت ما با صاحبان سهام مذاکره کردیم دولت به چوجه مایل نبود بخرد هیچ اجباری هم در بین نیست این يك اعتباری است که ما می گیریم دولت اجازه بگیرد که اگر صاحبان سهام

فروختند بخرد و اگر اعتبار بهره برداریشان را تهیه کنند دولت به چوجه مایل نیست که سهام را بخرد خودشان اعتبار بهره برداری را بدهند و مطابق ترتیب قانونی شرکتها کارخانه اداره شود و محصول خودش را خواهد داد هر کس مطابق اساسنامه سهم خودش را بدهد ولی در اینجا آقای می تواند اطمینان داشته باشند که اصلاً کلمه تراضی محتاج نیست زیرا هیچ قانونی نیست که يك کسی بتواند از دیگری چیزی را با اجبار خریداری کند البته اگر کسی مایل است بفروشد خواهد فروخت و اگر مایل نیست بقدر سهم خودش اعتبار بهره برداری را تهیه می کند و میگذارد در بانک کارخانه هم عمل خودش را ادامه می دهد و بر طبق اساسنامه رفتار خواهد شد و بنده نمی میکنم که چون در کمیسیون هم این مذاکره شد و قبول نشد آقای هم این پیشنهاد خودشان را مسرد بدارند چون محتاج بذکر این پیشنهاد نیست و منظور آقای تأمین است.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده لازم میدانم چند مقدمه را اینجا عرض کنم اولاً راجع بشرکتها که دولت حقیقتاً در این چند سال بواسطه تشویقاتی که از مردم کرده است شرکتهای خوبی دارد تشکیل می شود کوچک کوچک مخصوصاً در ولایات شرکتهای سهامی و تضامنی و البته دولت هم باید نهایت تشویق را از مردم بکند که شرکت درست کنند بعلم اینکه تا شرکت نباشد مملکت ترقی نمی کند بکنفر هیچوقت با سرمایه خودش نمیتواند يك کارهای بزرگی را بکند البته سرمایه های کوچک کوچک که روی هم گذارده شد و يك شرکتی تشکیل شد منافع بزرگی هم ازش بر داشته می شود اما در ضمن هم که ما این کار را می کنیم عملمان برخلاف است بنده خاطر دارم که شرکت تلفن يك شرکتی بود که از سالهای سابق تشکیل شده بود و روی اندازه خودش هم خوب کار کرده بود در همین مجلس نظر است که وزیر پست و تلگراف سابق لایحه آورد

کارخانه را بخرد و این کارخانه پیشرفت داشته باشد این است که بنده هم موافقم ولیکن يك نکته بود که در کمیسیون هم بنده عرض کردم ظاهر این لایحه اگر با این ترتیب بلهویب برسد حقیقتاً اجبار و التزام است نسبت بخرید سهام این اشخاص از طرف دولت اگر باین ترتیب که در این خبر تنظیم شده مجلس تصویب کند که دولت مجاز باشد سهام اشخاص را خریداری کند این بگونه الزام و اجبار است این است عقیده بنده باید جماعه را علاوه کرد که در صورت تراضی صاحبان سهام دولت مجاز باشد در کمیسیون بودجه هم این پیشنهادند آقای وزیر مالیه هم قبول فرمودند و مخصوصاً آقای رئیس کل صناعت هم گفتند که خیر این اجباری نیست و بسته بتراضی است و با صاحبان سهام هم مذاکره شده است و با تراضی خواهد بود بنده عقیده ام این است که با وجود این باز در خود ماده تصریح شود بهتر است پیشنهادی هم عرض کرده ام که تقدیم میکنم و در صورتیکه موافقت کنند و تصویب شود بهتر است پیشنهاد این است ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است سهام کارخانه قند سازی کهریزك را که متعلق باشخاص است در صورت تراضی خریداری نموده و قیمت آرا با اصل و فرع الی آخر ماده. اگر این ترتیب باشد البته صحیح است و اصولاً هم عیبی ندارد و الا با این ترتیب اگر تصویب شود حقیقتاً الزام و اجباری است برای خریداران

رئیس کل صناعت (آقای فرخ) - فرمایشات حضرت

آقای طباطبائی دیا اگر چه يك قسمتش موافقت با لایحه بود ولی برای استحضار خاطر محترشان چنانچه در کمیسیون هم عرض شد عرض میکنم دولت نهایت مایل و نهایت جدیت را دارد که شرکتهای اشخاص متصدی تأسیس کارخانه ها و شرکتهای مختلفه بشوند و هیچوقت دولت مایل نیست در این امور دخالت کند و این اقداماتی هم که تا بحال شده برای این بوده که دولت خواسته است سرمشق قرار بدهد و نشان بدهد که بچه ترتیب ممکن است

اینجا که سهام این شرکت را بخرد و خیلی منافع از اینک
آقای رئیس صناعت اینجا بیان کردند محضات این کار را
در مجلس ذکر کرد و من خاطر ام است همانروز بنده و جمعی
مخالف بودیم که آقا دولت چه کار دارد در شرکت مداخله
میکند يك شركتی است تشکیل شده ایشان عاقلان زیادی
برای این کار ذکر کردند و آن لایحه را از مجلس گذراندند
و الان بنده اطلاع دارم که وزیر جدید آن کار را خوب
نمیداند و میخواهد سهامی را که دولت خریده بفروشد
همان شرکت سابق با مردم دیگر و در عدل هم دیدیم بدتر
شد بعلمت اینکه دولت سهام را خرید از آنطرف نمره اجازه
دادند وارد کنند بایول نداشتند و مردم الان در ضیق تلفن
افتاده اند حتی بنده شنیدم که تلفن سرفلی پیدا کرده مثل دکا کین و
مقارنه ها که اگر کسی نمره تلفن داشته باشد در دست نومان
دو دست و پنجاه نومان ارزش میبخشد و حالا دولت مجبور
شده است که آن سهامی که خریده است پس بدهد يك
شركتی هم تشکیل شده است برای کارخانه قند کهریزك
حالا دولت میخواهد سهام آن شرکت را بخرد و این
بمقیده بنده دو عیب دارد بعلمت اینکه اولاً همه مردم
اطلاع ندارند که صاحبان سهام خودشان مفروض شده اند
و نمیتوانند شرکت را اداره کنند انعکاس این موضوع
در تمام مملکت این میشود که دولت شرکتهای را تصرف
میکند همچنانکه شرکت تلفن را تصرف کرد فردا هم
کارخانه کهریزك را تصرف میکند و این انعکاس بمقیده
بنده چیز خوبی نیست موضوع دوم اینکه آقایان میدانند
بنده مدتها در ادارات کار کرده ام ده سال در اداره
مالیه بوده ام و چند سال در وزارت عدلیه و میدانم
که دولت ناچار و ملایک خوبی نیست و اگر در این جور
کارها مداخله کند خراب میکند بقول یکی از رفقا میگفت
از دروازه که بیرون شدیم هر ملایکی که خیلی خراب
است موقوفه هر ملایکی که بکفندی بهتر از او است
یا تا يك اندازه خراب است خالصه هر ملایکی که
بکفندی وضعیتش بهتر است مال مالک کل و هر ملایکی

که نسبت مهم است برای او مصرف میشود این برای
چیت برای این است که احتیاج اقتصادی از مملکت
مرتفع شود و در مقابل هم آن سرمایه که خرج شده است
از نقطه نظر تجاری و بانکی باید يك مناقصه بدهد خوب
مايك شركتی تشکیل دادیم و يك کارخانه ساختیم این
کارخانه هم بطوریکه در محل خودش هست که
محمول نخواهد داد مواد اولیه لازم دارد تا برسد بمرحله
فایده و عمل و بهره برداری این کارخانه کهریزك
الان شصت هزار تومان سرمایه میخواهد تا بتواند محصول
۱۳۱۲ را حاضر کند شرکاء که ندارند بدهند تکلیف
دولت چیت يك میلیون و کسری سرمایه مملکت چه
از مال دولت چه از مال مردم در اینجا مصرف شده است و
کارخانه هم که بدون بهره برداری فایده نخواهد داد و در
اینجا دولت چه تکلیفی دارد چه باید بکند؟ بعلاوه يك
نکته را به آقا عرض میکنم در موضوع املاک خالصه و
املاک موقوفه که فرمودید خراب است البته نمیشود
کارهای امروزه مملکت را مقایسه کرد با چند سال قبل
بعلاوه باید تذکر بدهم بنده در این تجربه کمی که حاصل
کرده ام موضوع کارخانه غیر از عمل ملکی و تجاری است
بمقیده بنده کارخانه را باز تا چند سال دیگر دولت بهتر
میتواند اداره کند تا مردم زیر املاک کلانی در این کار
هست که قابل تطبیق با سایر اموری که با آن مقایسه میکنیم
نیست در اینجا بنده بنام دولت الان عرض میکنم که دولت
حاضر است تمام سهام کارخانه قند کرج را بفروشد و هم
چنین تمام سهام کارخانه قند کهریزك را هر کس بخرد ما می
فروشیم چنانچه ۲۵۰ سهم از این سهام را از ما خریدند
منتهی بقرض بانک ملی ولی متأسفانه این خریدار هائی که
اسهالان برده میشود هیچوقت عرض اندام نمیکند و کسی
نمیداند برای خرید سهام دولت هم که نمیتواند چندین میلیون
سرمایه مملکت را که خرج خرید ماشین آلات کرده است
بدون بهره بگذارد و منتظر بنشیند ببیند که آیا کسی پیدا
میشود يك سهم بخرد یا نه بنده بفرین دارم اگر نماند محترم

خودشانهم مقصدی امر بودند راه علاج را منحصر بسه راه
میدانستند بگو اینکه شرکائیکه از طرفین هستند بقدر سهام
اعتبار بهره برداری بدهند و کارخانه دائر باشد با سهام دولت
را بخرد و خودشان عمل کنند یا سهه شان را بدولت بفروشند
و دولت عمل کند چون در دو قسمت اول شرکاء حاضر نیستند
و نمیتوانند برای این قضیه وجه تهیه کنند ناچار شقی
تاکت باید عملی شود زیرا باین ترتیب نمیتوان يك
میلیون و دوست هزار تومان سرمایه مملکت را بدون
بهره برداری و هیچ استفاده گذاشت و الا هر کس یا هر
شركتی که بتواند وضعیت خود را ادامه بدهد دولت
با کمال جدیت و صمیمیت تقویت خواهد کرد که آن
شركت تشویق شود یاداً خدمات خودش ولی در عین
حال تصدیق بفرماید که نمی شود يك مقداری از سرمایه
مملکت را بدون بهره گذاشت

رئیس - آقای طهرانچی

طهرانچی - منی از لایحه که منظور نظر بنده
بود مسئله قیمت بود که می نویسد وزارت مالیه مجاز است
قیمت آن قسمت از سهام را پردازد معلوم نیست این قیمت
چیت و بچه قیمت میخواهند سهام را خریداری کنند
ضمناً لازم میدانم (چون آقای مؤید احمدی در ضمن
فرمایشاتشان فرمودند مثل شرکت تلفن نمود) عرض
کنم فروش سهام شرکت تلفن اجباری نبوده و بنده
آن مقدار از سهامی را که فروختم با کمال میل بوده و
همه موافقت کردند و با صلاحدید و رضایت فروشندگان
بوده و هیچگونه اجباری برای شرکاء نبوده و حالا هم
نمایلی از طرف دولت نسبت با رجاع آن سهام نشده و
اگر شده بنده اطلاع ندارم ولی همیشه عرض میکنم که
از طرف دولت هیچگونه کسره و اجباری نسبت
بفروشندگان آنها نبوده و هیچگونه تضییق و اجباری
برای فروش نکرده است

رئیس کل صناعت - سهام کهریزك هر يك

صد تومان قیمت دارد و البته يك مفتت صدی هفت هم
برای آن در نظر گرفته شده است و سهامی هم که تاکنون
دولت فروخته همین مبلغ بوده و حالا هم که میخرد

بهین مبلغ است (صحیح است - مذاکرات کافی است) رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده باید در کفایت مذاکرات صحبت کنم یا مجاز هستم.

رئیس - البته در کفایت مذاکرات

شریعت زاده - بنظر بنده مطالبی که فعلاً در مجلس شورای ملی مطرح است یکی از مسائل بسیار قابل توجه است. و آن موضوع لزوم دخالت دولت در امور تجارتي و اقتصادی است و همچنین لزوم باعدم لزوم دخالت و شرکت دولت در این قبیل مؤسسات است بنظر بنده در این مطلب اظهار عقیده نمودن نتیجه مراجعه تاریخ اقتصادی دنیا است و تاریخ مللی است که کارهای را انجام داده اند و ما می توانیم در سایه آن سوابق کارها ما را بجزایان بیاوریم (حضرت آقای افسر تقاضا می کنم توجه فرمائید) بنظر بنده هیچ کار بزرگی بدون سرمایه بزرگ انجام پذیر نیست و هیچ سرمایه بزرگی بدون اجتماع سرمایه های کوچک در سایه تأسیس شرکت حاصل شدنی نخواهد بود اگر دنیا در کارهای اقتصادی کار کرده است این حقیقت را درک کرده و دانسته اند که برای هیچ فردی هر قدر متول باشد اعم از دولت و افراد نخبه سرمایه عظیم که کارهای عظیمی را که احتیاج يك ملت و مملکتی را دفع کند مقدور نیست بنابر این اصل شرکت را در سایه اعتماد و اطمینان در افراد جامعه شروع کرده اند و موفق شده اند بنظر بنده دولت ایران برای ایجاد این اطمینان صلاحیت دارد و حق دارد که در امور شرکتي دخالت کند یعنی نشان بدهد که در نتیجه ایجاد شرکتها وقتی دفع احتیاجات ملی ممکن است و برای سوق دادن جامعه باین مقصود مخصوصاً در مؤسسات و شرکتها شرکت بکند تا این که در سایه تقویت و در سایه وجود دولت آن اعتماد و اطمینان توسعه یابد و مردم سوق داده شوند بطرفه این فکر ازین لحاظ است که بنده با هیچیک از توضیحاتی که دلائل است باین که در مورد این مؤسسه که بزرگ که يك عده صاحبان سهامی دارد با خراج آنها موافقت کنیم این را بنده موجه میدانم چرا برای این که گفته می شود برای آنها مقدور نیست که شرکت بکنند در تهیه آن سرمایه که

توضیحات خودم را دادم و اهمیت این موضوع یعنی اهمیت دخالت دولت در این قبیل کارها و اهمیت مؤثر واقع شدن سرمشق و اهمیت تأثیر مداخله دولت در ایجاد اطمینان اینها همه يك دلالی است که باید وجود این شرکاء را ابقاء کرد. بنده میخواستم در این باب توضیحات بسوطری بدهم ولی چون آقای مؤید احمدی يك قسمت از مطالب بنده را گفتند خانه بیدم برایش خودم و در این باب خیال می کنم که آقای دیبا پیشنهاد خودشان را اصلاح کنند و آقایان هم موافقت کنند

رئیس کل صناعت - آن طوری که نماینده محترم فرمودند که عادت دارند باسول منطق بنده از ایشان استدعا می کنم که مخصوصاً باسول منطق توجه فرمائید و بهینند که آیا در این جا این نظری را که آقا دارند قابل عمل هست یا خیر. دولت با کمال میل و اشتیاقی که به تأسیس شرکتها دارد آمد يك کارخانه کهنه که بزرگ را که در واقع يك شیء بود که ازین زرقه بود با مبلغ گزافی خرج اجزاء کرد يك عده که در قسمت اول شرکت داشتند آمدند بقدر يك نالت از سهام کارخانه را شرکت کردند حالا دولت برای این که این قسمتی که این شرکاء هستند باید همه ساله يك میلیون از اصل و متن بودجه اش بردارد مصرف قد که بزرگ بکند اگر منفعت کرد صاحبان سهام بردارند و اگر ضرر کرد بالاخره روی سهام و روی قروض کشیده شود این عمل همینطور ادامه حاصل خواهد کرد تا چند سال و بالاخره نتیجه این از قضا نظر مالی و اقتصادی برای دولت چه فعی داشته است و آیا چه استفاده در این قسمت شده است دولت درسته مانده اطلاع داد که سهام خودش را بفروشد چهار صد و پنجاه سهم از سهام خودش را فروخت ولی نه با پول آنها با پول بانک ملی یعنی سهام را گرفتند و اکثریت با صاحبان سهام است و دولت اکثریت ندارد و در اقلیت است الان که سال ۳۱۲ است ما ششصد هزار تومان اعتبار میخواهیم برای بهره برداری کارخانه دولت باید ششصد هزار تومان فرض کند از قرار صدی فلاقتند و باید کارخانه را دار کند برای دیگران این کار عملی نیست و تصدیق

خواهند فرمود که هیچوقت وزیر مالیه وقت اجازه نمیدهد که يك مبلغ ششصد هزار تومان از بودجه مملکت بردارد و بصرفه يك شرکتي برساند که آن شرکت فعی کند و اگر نخواهیم این کار را بکنیم صاحبان سهام عجز دارند از دادن این سرمایه باید کارخانه که يك میلیون و کسری خرج او شده است از سال دوم عمل درش را به بندیم و يك سرمایه را بدون استفاده بگذاریم حالانده باین صفری و کبری نتیجه را میدهم به خود آقا که بهینم باین مقدمات بچه شکلی ممکن است قضیه را حل کرد که اگر شما راه حلی پیدا کنید ما موافقت می کنیم زیرا که صاحبان سهام خودشان صراحتاً میگویند نمیتوانیم يك دينار وجه تهیه کنیم و بالاخره يك میلیون و دو صد هزار تومان سرمایه دولت در خطر است برای اینکه قابل استفاده نیست و بقیه بنده بهترین طریقی که در این راه هست این است که کلیه سهام را يك قهرمانك باشد یا شرکاء مالک باشند یا دولت مالک باشد زیرا مالک وقتی يك قهرمان بود می تواند سرمایه بدوی را تهیه کند و بخرج بگذارد و استفاده هم بکند و در این مورد چون صاحبان سهام هیچ نمیتوانند تهیه بکنند دولت حاضر شده است که این سهام را خریداری کند و این مانع نیست که دولت همین سهام کارخانه که بزرگ را هم بفروشد و بنده صریحاً بنام دولت عرض می کنم که دولت سهام کارخانه که بزرگ و سهام کارخانه قدس سازی کرج هر دو را بفروشد و گره شتریهائی باشد که بخرند مانعی برای فروش نیست ولی چون مشتریان فعلی عجز از بکار انداختن کارخانه دارند دولت حاضر است که این کمک را بکند که يك مؤسسه اقتصادی که تازه تأسیس شده است ازین فرود بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای شریعت زاده فرمایشی دارید شریعت زاده - بنده در توضیحات آقای رئیس کل صناعت چیزی که مؤثر در مورد بنده باین معنی که خلاصه اش این است که مردم پول ندارند که ششصد هزار تومان خرج کنند بنده عرض می کنم که يك سلسله از دلائل اقتصادی موجب شد که خود دولت فدکاری کند يك وجوهی از خزانه عمومی برای تأسیس این مؤسسات صرف بکند. بنابر این و باین فرض گر يك عده از افراد

این مملکت شرکت بکنند و از این سهام بخرند هر قدری
باشد باز بردوش دولت کمتر است و اگر منتفع هم کرد
اشخاص منتفع میزند نظر بنده اگر یک شریکی هزار ریال
سهم دارد منتفی که حاصل می شود به نسبت آن هزار
ریال می برد و آن کسی که بیشتر سهم دارد به نسبت سهمش
بیشتر می برد و این که فرمودند که عملی نیست بنده فهمیدم
که بطور عملی نیست فرض کنید که بنده هزار ریال سهم
دارم دلیل ندارد که بنده ملزم باشم سهام خود را بفروشم
خیر بنده نگاه میدارم منتفی دولت ذمه لافه است که این
مؤسسه را حفظ کند و برای حفظ یک مصلحت اقتصادی
تقویت از بیه اقتصادی مملکت این را میخواهد حفظ
کند و میل دارد که یک فداکاری کند خوب چه دلیلی دارد
که اهالی مملکت در این فداکاری شرکت نکنند شرکت
میکند منتفی آقا میگویند که حالا آنها اکثریت دارند
بنده عرض میکنم که اگر مصلحت ملی و مملکت منتفی
باشد یک ماده وضع کنند که ماحق اکثریت آنها را برای
عده سهام بدون بدیم و این کار خیلی خیلی سهل است

مخبر - این لایحه وقتی در کمیسیون بودجه مطرح
شد همانطور که این جا آقای مؤید احمدی و آقای
شریعت زاده اظهار کردند در خود کمیسیون هم حسن
استقبالی اول ذاین لایحه شد زیرا طرز عبارات طوری
بود مثل این که دولت میخواهد حالا که این کارخانه
بکار افتاده و یک کاری میکند و منتفع میکند یک کاری
میخواهد بکند که سهام شرکاء را بگیرد از این جهت
مذاکرات خیلی مفصل شد و آقای وزیر مالیه هم تشریف
داشتند و توضیحات کامل دادند معلوم می شود که دولت
همچو نظری ندارد و چنین خیالی ندارد که چون دید که
این شرکت فایده میکند بخواهد سهامش را بخرد بلکه
یک شرکتی که تأسیس می شود بایستی برای خرید و
فروش سهام هر کس چون اشخاص اختیار خودشان
را دارند دولت بدون اجازه مجلس شورای ملی نمی تواند
بخرد آنها را یا بفروشد سهامی را که دارد قبل از این
بانک ملی شرکت داشت در کارخانه کهریزک با یک
اشخاص دیگری او خودش یک مالکی بود که می توانست
فروشد یا بخرد اجازه از یک مقامات رسمی و مؤسسه
قانونی لازم نداشت لیکن حالیه سهام بانک بدون منتقل

توضیحی که بنده عرض کردم آقای شریعت زاده هم موافقت
فرمایند

عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهادی از آقای اقتدار رسیده است

پیشنهاد می کنم که ماده واحده بقرارداد ذیل اصلاح شود:

وزارت مالیه مجاز است که در مقابل قروض کارخانه
قدسازی کهریزک چهار میلیون و پانصد هزار ریال
سرمایه متحرک جهت دائر نگاهداشتن کارخانه مزبور
سهام جدید صادر و از محل ذخیره مملکتی پرداخت نماید

میرزا حسین خان افشار - سوء تعبیری که خریداری

سهام شرکاء در جامعه می پخشند البته آقایان مخصوصاً

آقای مؤید احمدی قبل از بنده فرمودند بنده نمی خواهم

در این موضوع مذاکره کنم و باعث تصدیع خاطر

مختره آقایان نمایندگان محترم بشوم (عده از نمایندگان -

صحیح است) و البته این قضیه پر واضح است با همه

اینکه دولت کاملاً حسن نیت دارد خریداری سهام شرکاء

دیگر در جامعه اثر خوب نخواهد کرد نظری که اداره

کل صناعت از خریداری سهام دیگران دارد این است که

این اشخاص نمی تواند از عهده پرداخت دیون این مؤسسه

و مخصوصاً از عهده پرداخت سرمایه اتفافی آن جا

برآیند و چون سرمایه اتفافی را آقایان نمی بردارند و

دولت نمی تواند این کارخانه را اداره کند لذا دولت برای

اداره این کار می خواهد سهام دیگران را بخرد و علاوه

بر خریداری سهام دیگران خودش هم یک سرمایه جدیدی

برای اداره کردن آن جا بگذارد بنده عرض میکنم این

اشکال را بنوع دیگر هم مایمی توایم رفع کنیم یعنی بوسیله

صدور سهام جدید شما نامیزان چهارصد و پنجاه هزار تومان

سرمایه اتفافی لازم دارید و قریب سیصد هزار تومان هم

قرض دارید در مقابل این هفتصد و پنجاه هزار تومان

هفتصد هزار تومان شما از محل ذخیره مملکتی سهام

صادر کنید و این سهام مال دولت باشد البته از عایدات

این کارخانه دولت به آن اندازه که سرمایه گذاشته است

منتفع خواهد بود و صاحبان سهام دیگر هم به نسبت سهام

خودشان از این کار استفاده خواهند برد و کار هم معطل

نمی ماند و عمل میکند دخل و خرج هم می کند و در

جامعه هم سوء تعبیر پیدا نمی کند که همینقدر که دولت

دید یک شرکتی قمع می کند فوراً سهام دیگران را

دا می خواهد بخرد بنده عرض میکنم برای رفع این

اشکال کافی است که شما یک میزان معینی از ذخیره

مملکتی بگیریید و سهام جدید صادر کنید و بوسیله همین

سهام جدید کارخانه قد کهریزک را اداره کنید بدون این

که احتیاج داشته باشید که یک کار لغوی را بکنید که

دیگران تنقید بکنند

رئیس اداره کل صناعت - این پیشنهاد آقای

افشار عملی نیست زیرا اعتبار ذخیره مملکتی که با اختیار

بنده نیست که بنده بخواهم از آن محل پیشنهادی بکنم و

سهام جدیدی منتشر کنم فرضاً هم آمدیم مایک سهام

اضافی را پیشنهاد کنیم کی خریدار خواهد بود؟ (افشار -

خود دولت) دولت فعلاً و عجباً برای این که سهام

اضافی طبع کند محلی ندارد و علاوه دولت هروقتی که

آمد و این کار را کرد باید اساساً را تغییر بدهند

(افشار - بدهد چنانچه دارد) اساساً جدیدی پیشنهاد

نماید در صورتیکه اساساً فعلی نیست شده در نیت اسناد

نیت شرکتهای است و بالاخره مدتی است الان دولت

حاضر است آن سهام را بفروشد بالاخره چهار صد و

پنجاه سهم از سهام دولت را خریدند آنهم با پول بانک ملی

بهر حال نظر بنده این پیشنهاد عملی نیست

عده از نمایندگان - رأی رأی

مخبر - چون جنبه مالی دارد نمی دانم ممکن

است که نمایندگی این طور پیشنهاد بکنند و علاوه وزیر مالیه

هم که مربوط بایشان است نیت ناموافق بکنند و این

پیشنهاد آقای افشار پیشنهاد خرج است از این جهت بنده

خیال می کنم مقتضی نیست

رئیس - بنظر بنده این پیشنهاد اشکال مالی

ندارد (صحیح است) پیشنهاد را می خوانیم بهینیم بطور

اشکال مالی دارد؟

(این قسم قرائت شد)

وزارت مالیه مجاز است که در مقابل قروض کارخانه قد

سازی کهریزک چهار میلیون و پانصد هزار ریال سرمایه

-۹-

متحرک جهت دار نگاهداشتن کارخانه زبور - وام جدید صادر و از محل ذخیره مملکتی پرداخت نماید. عده از نمایندگان - صحیح است. مانعی ندارد می شود رای گرفت

رئیس - بنظر آقایان اشکالی ندارد (نمایندگان - خیر) چون یک نظری است به آقا عرض میکنم: بیار ماد است که عملی را انسان اظهار بکند و متضمن خرج نباشد (صحیح است) پس اگر بمعنای اعم خرج را در نظر بگیرند معاین این است که هیچ پیشنهاد در دفاع ملی نشود (صحیح است) بنظر بنده پیشنهادی که محل نظر است و پیشنهادی است که در بودجه مملکتی می شود (صحیح است) و الا اگر علمی، کاری، شفای سدی، هر کاری را که نماینده پیشنهاد کند خرج از لوازم طبیعتش است (صحیح است) و بنابر این اگر ما این اصل را قبول کنیم دچار خیلی نسر و اشکال می شویم (صحیح است) و باید هیچ پیشنهادی نکنیم (صحیح است) آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند) قابل توجه نشد. رأی میگیریم بخود ماده واحد باورقه آقایانیکه موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد

(اخذ و استخراج آراء بعمل آمده هشتاد ورقه سفید تعداد شد)

رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رای نود و نه باکثرت هفتاد رای تصویب شد

۲ - تصویب لایحه اصلاح بودجه ۱۳۱۱ اداره کل سبج احوال مملکتی

رئیس - خیر کمسیون بودجه راجع باصلاح بودجه

۱۳۱۱ احصایه و - سبج احوال مطرح است خیر کمسیون:

لایحه نمره ۱۹۵۱ دولت راجع باصلاح بودجه هزار و سیصد یازده کل - سبج احوال و احصایه باحضور آقای ذرین کفش کفیل وزارت داخله در کمسیون بودجه مطرح و در نتیجه ماده واحد بشرح ذیل تنظیم و اینک رایرت آن تقدیم می شود

ماده واحد - وزارت مالیه مجاز است مبلغ شصت هزار ریال از محل اعتبار ماده ۹ بودجه ۱۳۱۱ احصایه و سبج احوال برای کسر اعتبارات مواد ۱۱ - ۱۴ - ۱۷ - ۲۱ همان بودجه بشرح ذیل تخصیص:

- اضافه می شود باعتبار ماده ۱۱ ۲۰۰۰۰ ریال
 - اضافه می شود باعتبار ماده ۱۴ ۶۰۰۰۰ ریال
 - اضافه می شود باعتبار ماده ۱۷ ۵۰۰۰۰۰ ریال
 - اضافه می شود باعتبار ماده ۲۱ ۲۰۰۰۰ ریال
- و بارعایت قانون ۲۹ آبان ماه ۱۳۱۱ به مصرف برساند.

رئیس - آقای طباطبائی دیبا

طباطبائی دیبا - بنده - موافقم ولی می خواستم - سوال کنم که سنه مالی این اعتبار گذشته است و حالا که این اعتبار تصویب می شود از حیث گذشتن سنه مالی چه تزییی خواهد داشت؟

مخبر - اگر قسمت سنه مالی نگذشته بود که همین اصلاح در خود کمسیون بودجه تصویب میشد ولی این لایحه را قبل از ختم سنه مالی بمجلس داده بودند قبل از تیرماه درماه خرداد دادند که از مجلس اجازه بگیرند ولی معوق ماند تا حالا و حالا بسته است با اجازه مجلس اگر مجلس اجازه داد که نقل و انتقال

می شود اگر اجازه نداد که نمی شود

عده از نمایندگان - صحیح است. کافی مذاکرات

رئیس - بنظر دیگرری نیست (اظهاری نشد) رای میگیریم - آقایانیکه با ماده واحد موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد (اخذ و استخراج آراء بعمل آمده هشتاد ورقه سفید شمرده شد)

رئیس - عده حاضر در موقع اعلام رای صد و دو باکثرت هشتاد رای تصویب شد

۱ - تصویب لایحه تمدید مدت اعتبار جواز ورود

رئیس - آقای رئیس تجارت

رئیس کل تجارت (آقای سبح) - مدت اعتبار جواز ورود - ایفا یک سال بود بعد بموجب قانون جدید انحصار تجارت هشت ماه شد چون این مدت کافی نبود یک قانون دیگری گذشته بود که اگر ثابت شود صاحب مال تعمیری در وارد کردن نداشته و مانع خارجی داشته یک مدتی تمدید بدهند و این ترتیب سابق هم یک اسباب اشکالی بود بری تجار این است که یک لایحه پیشنهاد شده است که مدت جواز ورود همان یک سال باشد (صحیح است) و آنگاه هم که از سابق باقی است تا یک سال بتوان تمدید کرد یعنی اگر هشت ماه است بتوان دوازده ماه کرد

(لایحه را تقدیم مقام ریاست نمودند و این قسم فرمت شد) ساحت محترم مجلس شورای ملی - مدت اعتبار جوازهای ورود در قانون مصوب اسفند ۱۳۰۹ دوازده ماه بوده برای جلوگیری از احتکار و سوء استفاده های محتمله در خود داری کردن از ورود اجناس و در مضیقه گذاردن بازارهای

داخله بموجب قانون ۱۹ تیرماه ۱۳۱۱ مدت اعتبار جواز ورود هشت ماه مقرر شده و بموجب قانون ۱۹ اردی بهشت ۱۳۱۲ اجازه داده شده است که چنانچه پاملی که خارج از اختیار صاحبان جواز باشد جنس موضوع جواز در ظرف مدت هشتماه وارد نشود بانصوب بیست محترم وزراء عظام مدت زبور تا یکسال تمدید شود.

متأسفانه با وضعیت غیرعادی بازارهای خارجه و نزلری که در اعمار خارجی مدنی است پیدا شده فروش اجناس صادراتی و خرید اجناسی که وارد مینمایند غالباً در مدت هشت ماه انجام نمیشود و اثبات اینکه علل تأخیر از اختیار صاحبان جواز خارج بوده برای اداره کل تجارت و تجار اسباب زحمت فوق العاده شده که غالباً بضرر تجار تمام می شود لهذا ماده واحد ذیل را پیشنهاد و تصویب آنرا باقی دو فوریت درخواست می نماید ماده واحد - مدت اعتبار جوازهای ورود مذکور در بند (ج) از ماده ۸ قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۱۹ تیرماه ۱۳۱۱ از تاریخ تصویب این قانون یکسال خواهد بود دازه کل تجارت مجاز است جوازهای صادره قبل از تصویب این قانون را نیز که مدت اعتبارشان هشت ماه بوده است تا یکسال تمدید دهد

رئیس - آقای رئیس تجارت راجع به فوریت است؟ می خواهد فوریت از مجلس بگیرد؟ این مخالف با آن تصمیم اصولی است که باید لواجیح قبلاً بفرمایند برود. آقای روحی فرمایشی داشتید

روحی - اجازه میفرمایید؟

رئیس - بفرمایید.

روحی - عرض کنم که چون این قضیه

مجلسی رأی دهندگان - آقایان: بیات - مکر - احتشام زاده - هدایت - منصف - بنگدار - رهبری - مدوق جهانشاهی - حاج محمد رضا بهوانی - دکتر احتشام - افسر - میرزا یونس - دبیر سهرابی - دربابی - نوخت - یوز سرایب - افشار - قومی - ملک مدنی - دکتر شیخ - احمد - قومی - منصف سنگ - هزار جریبی - ناصری - شاهرودی - تربیت - دکتر طاهری - صفاری - تاج الاسلامی - مولوی - دکتر بهرامی - حاج تقی آقا وغب زاده - هراز - اسکندری - میرزا محمد خان وکیل - خواجوی - باستانی - محمد ضیائی - فرشی - مزدهی - دکتر ضیاء - علوجی - حسن آقا مهدوی - جرجانی - اقبال - سید کاظم یزدی - طباطبائی وکیل - میرزائی - امیر ارابهی - احمدی - دانور - دکتر سنگ - بختیار - طباطبائی دیبا - روحی - حاج غلامحسین ملک - نیت یوز - شرفی - دهستانی - محبط - نواب یزدی - حسن خان قرا گولو - دکتر ملک زاده - دکتر تقان - فردنی - فرزند - کاشف - حاج میرزا حسین خان فاضلی - مؤید مهدی - لبقوای - بیربیا - طالش خان - ساکینان - وکیل - امیر حسین خان - دکتر سیمی - میرزا موسی خان مرآت - حاکمی میرزا دولتشاهی - مهدوی خراسانی - حیدری.

مجلسی رأی دهندگان - آقایان: لبقوای - طهرانی - لاریجانی - دانور - دبستانی - علوجی - دکتر سنگ - قومی - فرزند - سلطان شیخ الاسلامی - حاکمی میرزا دولتشاهی - مقدم - حسن آقا مهدوی - وکیل - بانمی - مدت زاده آملی - جیشدی - مهدوق جهانشاهی - بیربیا - فریانی - دکتر احتشام - گلرودی - محمدضیائی - طالش خان - خواجوی - میرزائی - منصف - افسر - ملک مدنی - شاهرودی - حبیبی - یازد - ناصری - ساکینان - رهبری - مزدهی - هراز - حاج غلامحسین ملک - هفتی - اسکندری - تربیت - میرزا یونس - اورنگ - کاشف - دکتر ضیاء - علوی - دکتر ملک زاده - مؤید مهدوی - دکتر شیخ - سید کاظم یزدی - تاج الاسلامی - جودی - مرآت اسفندیاری - دکتر سیمی - مهدوی خراسانی - امیر اعظم - عراقی - بهوانی - شرفی - میرزا موسی خان مرآت - دکتر بهرامی - دهستانی - رهنا - طباطبائی دیبا - بختیار - منصف سنگ - احتشام زاده - روحی - میرزا محمد خان وکیل - جرجانی - دکتر تقان.

مبتل به يك قسمت از تجار مملکت است ۹۰۰ آقایان
مواقف دارند که همین امروز بدهجایی مطرح شود
(صحیح است)

رئیس - اگر مجلس موافق باشد ادسکالی ندارد
(صحیح است)

رئیس - موافقم چون این کار خوبی است
رئیس - آندی فرشی

ارشام - این مسئله مورد ابتلای تجار است و
دولت در دو سال آرزایش تازه ملتفت شده است که هشتاد
هزار مدت برای صادرات کافی نیست این است که این
لایحه را آورده اند و بنده عقیده مندیم که این را آقایان
با دو فوریت رأی بدهند و قبل از رفتن به فراکسیون این
لایحه تصویب شود که مردم راحت شوند (صحیح است)
رئیس - خاق آن تصمیم خود آید ایشان بودند
و در يك موافقی هم می تواند تغییر بدهند (صحیح است)

فوریت اول مطرح است (عده از نمایندگان -- مخالفی
نیست) رأی میگیریم آقایان موافقین قیام فرمایند
(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد - دو فوریت ثانی مطرح
است مخالفی نیست؟ (گفته شد -- خیر) آقایان موافقین
با دو فوریت ثانی قیام فرمایند (عده زیادی برخاستند) تصویب
شد خود ماده واحده مطرح است (عده از نمایندگان --
مخالفی ندارد) آقایان که باده واحده موافقت قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند) تصویب شد

۹- موافق دستور جلسه آتی - ختم جلسه

رئیس - اگر اجازه بفرمایید جلسه را ختم کنیم
(صحیح است) جلسه آینده روز یکشنبه اول اردیبهشت
ماه ساعت اول از ظهر دستور اوراق موجوده
(مجلس بمقارن ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

راجع سهام و مخارج کارخانه قندسازی کهریزک

ماده واحده -- وزارت مالیه مجاز است قیمت آن قسمت از سهام کارخانه قندسازی کهریزک را که متعلق
به دولت نیست و اصل و فرع قیمت سهام متعلق به دولت را که از مملکت بانک ملی ایران به ملکیت دولت انتقال یافته و
همچنین کلیه قروض شرکت سهامی کارخانه را به علاوه چهار میلیون و پانصد هزار ریال سرمایه متحرک جهت تأمین
نگاهداشتن کارخانه مذکور از محل ذخیره مملکتی پرداخت نماید

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه سی و پنجم تیرماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب
مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اصلاح بودجه سال ۱۳۱۱-۱۳۱۲ و سجل احوال

ماده واحده -- وزارت مالیه مجاز است مبلغ هشت هزار ریال از محل اعتبار ماده ۹ بودجه ۱۳۱۱ احصایه و سجل
احوال برای کسر اعتبارات مواد ۱۱ - ۱۶ - ۱۷ - ۲۱ همان بودجه بشرح ذیل تخصیص
اضافه می شود باعتبار ماده ۱۱ ۲۰۰۰ ریال
اضافه می شود باعتبار ماده ۱۶ ۶۰۰۰ ریال
اضافه می شود باعتبار ماده ۱۷ ۵۰۰۰۰۰ ریال
اضافه می شود باعتبار ماده ۲۱ ۲۰۰۰ ریال

و باز عایت قانون ۲۶ آبان ماه ۱۳۱۱ به مصرف برساند
این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه سی و پنجم تیرماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب
مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

تمدید مدت اعتبار جواز ورود مال التجاره

ماده واحده -- مدت اعتبار جوازهای ورود مذکور در بند (ج) از ماده ۸ قانون انحصار تجارت خارجی تصویب
۱۹ تیرماه ۱۳۱۱ از تاریخ تصویب این قانون یکسال خواهد بود و اداره کل تجارت مجاز است جوازهای صادره
قبل از تصویب این قانون را نیز که مدت اعتبارشان هشت ماه بوده است تا یکسال تمدید دهد

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه سی و پنجم تیرماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب
مجلس شورای ملی رسید
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر